

# روشهای تأمین مالی ریسک

از: نادر مظلومی

خسارات محتمل از نقطه نظری ذهنی هشیار نمود. برداشت ذهنی از مساله ریسک، تاثیر مستقیمی بر استفاده از روشهای تأمین مالی ریسک دارد. مدیریت ریسک گریز تمایل کمتری به تکیه بر این تکنیکها خواهد داشت تا مدیریت ریسک پذیر. در هر حال، تأمین مالی ریسک بعنوان یک روش، مبین نوعی پیش داوری نسبت به ریسکها بوده و ضرورت و یا صرفه جوئی دو عامل اصلی توجیه کننده کاربرد آن بشمار می آیند. لذا آشنائی ولو اجمالی با روشهای مختلف آن می تواند مفید واقع شود.

## روشها

تأمین مالی ریسک یک عنوان کلی برای مجموعه روشهایی است که جملگی متضمن تحمل آثار مالی ناشی از حوادث اتفاقی و خسارتها توسط یک سازمان می باشند. تکنیکهای مورد بحث را می توانیم به دو گروه عمده تقسیم کنیم. در یک گروه اقداماتی قرار می گیرد که تقلیدی از بیمه بوده و عملاً "عملیات شبه بیمه ای" توسط مؤسسه به اجراء گذاشته می شود. کاربرد این روشها تابع همان ملاحظات و محدودیت هائی است که عملیات بیمه گری شرکت های بیمه می باشد.

خود بیمه گری ( Self Insurance ) و تأسیس شرکت بیمه وابسته یا انحصاری (Captive Insurance) از آن جمله است. گروه دیگر، روشهایی است که ماهیتاً "مالی" بوده و اصولاً "غیر بیمه ای" محسوب می شوند. عنوان کلی این گروه پذیرش یا جذب خسارت است.

در این نوشتار روشهای پذیرش خسارت مورد توجه قرار گرفته و به اختصار توضیح داده می شود و

تأمین مالی ریسک به یک مفهوم ساده عبارت از برنامه ریزیهای مالی است که سازمان برای مقابله با خسارتهای اتفاقی انجام میدهد. هدف از چنین تدابیری مهیا نمودن وجوه کافی برای بازسازی صدمات احتمالی وارد به مؤسسه با کمترین هزینه ممکن است.

علیرغم آنکه تأمین مالی ریسک از معمول ترین تکنیکهای مدیریت ریسک بشمار می آید، برخی بر این باورند که نمی توان آنرا از جمله روشهای مقابله با ریسک بشمار آورد. استدلال این گروه بر این مبنا استوار است که این روش امکان تاثیر گذاری بر ریسکهای را که در معرض آنها قرار گرفته ایم، فراهم نمی آورد. این بحث تا حدودی می تواند درست باشد، زیرا روشهای مختلف تأمین مالی، پی آمدهای ناشی از ریسکها را هدف قرار می دهند. با وجود این باید توجه داشت، آن مدیری که اقدام به برنامه ریزی در چنین راستائی می نماید، عملاً "آگاهی خود از وجود خطراتی را که می توانند منجر به خسارت شوند، به اثبات می رساند. اطلاع از وجود ریسک می تواند آگاهانه یا ناآگاهانه روشهای اجرائی او را تعدیل نموده و این یک بنوبه خود موجب کاهش ریسک و یا کم کردن آثار جانبی آن گردد.

آگاهی از وجود ریسک، بهبود روشهای مدیریت را باعث می شود در حالیکه عدم اطلاع از آن می تواند منجر به غافلگیر شدن مدیریت گردد که تاثیر به مراتب منفی تر بر عملیات برجای می گذارد. بدیهی است که شناسائی منبع پیدایش ریسکها از اهم وظایف مدیران ریسک بشمار می آید. زیرا تنها در این صورت است که اقدامات پیشگیرانه را می توان به اجراء گذاشت و یا آنکه حداقل مدیریت را در مقابل

مباحث مربوط به روشهای شبه بیمه‌ای به مقاله آتی موکول می‌گردد.

#### پذیرش خسارت

پذیرش یک خسارت توسط مؤسسه به دو صورت می‌تواند واقع شود. چنانچه مؤسسه در معرض ریسکی قرار داشته ولیکن از وجود و منشاء پیدایش آن بی‌اطلاع است، نتیجه می‌تواند خسارت ناخواسته‌ای باشد که چاره‌ای جز جذب آن در زمان وقوع وجود نخواهد داشت. در چنین مواردی اگر خسارت و صدمه جدی باشد، بعلت غافلگیر شدن سیستم مالی مؤسسه امکان هیچگونه مانور مالی نیز وجود نداشته و حاصلی جز فروپاشی کل سیستم و یا آسیب شدید آن بهار نخواهد آمد. در اینصورت ریسک ناآگاهانه پذیرفته شده است.

به استثنای موارد نادری که اصولاً نادیده انگاشتن ریسک از صرفه اقتصادی بیشتری برخوردار است، در سایر موارد بی‌تفاوتی نسبت به آن عملی نادرست و غیرعقلانی محسوب می‌شود. توجه به ریسکهائی که مؤسسه در معرض آنها قرار گرفته است و اتخاذ تدابیری که در حکم سپری در مقابل بلای ناگهانی خسارتهای اتفاقی باشد از ضروریات یک مدیریت آینده‌نگر است. کسب آمادگیهای لازم برای جذب حداقل بخشی از خسارتهای از محل امکانات مالی سازمان از جمله این تدابیر است که اصطلاحاً "پذیرش خسارت آگاهانه نامیده می‌شود. پذیرش خسارت زمانی آگاهانه محسوب می‌گردد که با برنامه‌ریزیهای مالی انجام گرفته باشد.

روشهای مختلفی را برای تدارک برنامه پذیرش خسارت می‌توان درپیش گرفت. در عمل تأمین اعتبار و تهیه منابع مالی برای این برنامه‌ها یا از محل درآمدهای جاری مؤسسه انجام می‌گیرد و یا آنکه یک پشتوانه مالی خاص پیش‌بینی می‌شود.

#### تأمین مالی از محل درآمدهای جاری

کلیه مؤسسات دارای هزینه‌هایی می‌باشند که از محل درآمدهای جاری و برحسب صرف آنها پرداخت می‌شوند. دستمزدها، هزینه آب و برق

و غیره از آن جمله‌اند. چنین هزینه‌هایی به خودی خود یک "خسارت" محسوب نمی‌شوند. ولیکن در بسیاری از مؤسسات مواردی از هزینه‌های جاری وجود دارد که مدیریت آنها را "خسارت" می‌شمارد. بعنوان مثال، زمانی که کارکنان ابزار کار خود را بمنظور استفاده شخصی و یا حتی فروش از محل کار خارج می‌کنند و یا در نتیجه طرز کار غلط کارگران مواد اولیه و اجزای نیم ساخته تبدیل به قراضه می‌شود، نمونه‌هایی از موارد فوق را می‌توانیم مشاهده نمائیم. چنانچه "خسارت" را کاهش ارزش یا از دست رفتن کل ارزش یک دارائی بعلت یک پیش‌آمد احتمالی تعریف کرده باشیم. موارد فوق از جمله مصادیق "خسارت" خواهند بود.

برخی از مواقع نیز نسبت به وقایعی که رخ می‌دهد تردیدی وجود ندارد. بعبارت دیگر تا حدود زیادی از حتمیت وقوع آنها مطلع هستیم.

فرضاً بعنوان یک مدیر می‌توانیم تاحدی مطمئن باشیم که در یک فروشگاه بزرگ تاحدود معینی دله دزدی رخ خواهد داد و یا آنکه بخشی از مواد یا تجهیزات دفتری توسط کارکنان ضایع خواهد شد. چنین بنا بر تعریفی که از ریسک بعمل می‌آید، چنین مواردی ریسک بشمار نمی‌آیند، بلکه جزو هزینه‌های عادی عملیات می‌باشند بنحویکه می‌توانند کاملاً در کنار سایر هزینه‌های مربوط به اداره مؤسسه قرار گیرند.

همانطوریکه ملاحظه می‌شود، هر مؤسسه‌ای بسته به نوع فعالیتی که اختیار کرده است در معرض خساراتی از انواع فوق قرار دارد. چنین خسارتهائی را می‌توان خسارت نرمال مؤسسه دانست که احتیاجی به تدارک مالی خاصی برای مقابله با آنها وجود ندارد. آنچه که در مرحله اول واجد اهمیت است، شناختن نوع خسارت نرمال مؤسسه و میزان تقریبی آن است.

برای استفاده از این روش، رعایت دو اصل الزامی است. با مدنظر قرار دادن این دو اصل، ولو اینکه وقوع خسارت غیرقابل پیش‌بینی باشد، مؤسسه می‌تواند با اطمینان خاطر برای مقابله با خسارتهای بر مبنای فعالیت‌های جاری، برنامه‌ریزی

روش به "حساب جاری منظور داشتن" آنها نیست. زمانیکه فراوانی خسارت خیلی زیاد باشد این روش شانس بیشتری برای ادامه کار خود خواهد داشت. دلیل این امر آن است که اصولاً "پیشبینی خساراتی که دارای فراوانی زیادی هستند، آسانتر است. از نظر کل هزینه‌ای که تحمیل می‌کنند دارای نظم بیشتری می‌باشند و در نتیجه راحتتر می‌توان با آنها بعنوان هزینه عملیات "نرمال" مقابله نمود.

### ۳- سایر خسارات

تمامی موءسسات در معرض انواع مختلفی از ریسکها قرار دارند. اینها اکثراً "ریسکهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند که تنها بخش کوچکی از آنها قابل کنترل است. برای جذب و پذیرش خسارت ناشی از آتش‌سوزی و تصادف و غیره، موءسسسه از همان دارائی، اندوخته و درآمدی باید استفاده کند که برای جبران خسارات ناشی از سایر ریسکها استفاده می‌نماید.

مساله فوق، نکته قابل توجهی است. چنانچه سلیقه‌ها تغییر نماید، رکود اقتصادی حاکم شود و یا یکی از کارکنان اصلی موءسسسه، اشتغال در موءسسسه رقیب را برگزیند و بسیاری اگرهای دیگر بخودی خود بار سنگینی را بردوش امور مالی سازمان قرار می‌دهند. جذب و پذیرش خسارت ناشی از ریسکهای حقیقی از محل جریانات مالی موءسسسه می‌تواند بار فوق را بسیار سنگین کند. لذا در تعیین حدود خساراتی که می‌توان بر مبنای روش فوق برای آنها برنامه‌ریزی کرد، سایر خسارات ناشی از ریسکهای شرطی یا دینامیک نقش عاملی محدودکننده را بازی می‌کند. علاوه بر خصایص خسارت ناشی از حوادث اتفاقی، هزینه‌های این روش نیز باید مورد نظر قرار گیرد.

### ۱- هزینه‌های عملیاتی

از محسنتات برنامه تاءمین مالی از محل درآمدهای جاری، سادگی و کم هزینه بودن آن است. در این روش اصولاً "سوابق کمتری نگهداری می‌شود، پرداختی جهت انتقال ریسک (بالاخص بیمه) انجام نمی‌گیرد و برای اداره آن احتیاجی به کارمندان کارشناس نیست.

کند. اصول مزبور عبارتند از اینکه اولاً "حداکثر میزان خسارت به روشنی قابل پیش‌بینی باشد و ثانیاً "حداکثر مبلغ خسارت درحدی نباشد که قادر به ممانعت از ادامه عملیات موءسسسه گردد.

باتوجه به اصول مذکور، در جریان تصمیم‌گیری در مورد استفاده از این روش، چندین خصیصه مهم یک خسارت باید مورد توجه قرار گیرد.

### ۱- حداکثر خسارت ممکن

پیش‌بینی حداکثر خسارت ممکن امر ساده‌ای نیست. برای نمونه در مورد خسارت ناشی از یک تصادف، نه تنها خود کامیون، بلکه محمولات آن نیز ممکن است آسیب ببینند، و یا آنکه حادثه‌ای در محوطه موءسسسه رخ داده و منجر به صدمه دیدن ساختمان نیز گردد. هر گونه خسارت ناشی از تصادف ممکن است با خسارت ناشی از مسئولیت و غرامت کارکنان همراه گردد و الی آخر. بدین ترتیب تعیین حداکثر خسارت ممکن ناشی از حوادث مختلف به‌خودی خود معرف یک مشکل خواهد بود.

### ۲- فراوانی خسارت

علاوه بر شدت خسارت مساله فراوانی و بعبارت دیگر تعداد دفعات آن نیز وجود دارد. شاید موءسسسه‌ای بتواند یک خسارت ۳۰۰۰۰۰ ریالی را براحتی جذب و تحمل کند، ولیکن در مقابل ۶۰۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰۰ و یا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال خساراتی که در طول سال رخ دهد چه خواهد کرد؟ باید توجه داشت که حوادث دارای حافظه نیستند و ارزش دارائیها در مقابل خسارات مکرر، برخوردار از مصونیت نیست.

اگر شرایطی که باعث وقوع اولین خسارت شده است (فرضاً "رانندگی بدون احتیاط، تعمیر نادرست وسیله نقلیه و...) تصحیح نشوند، کاملاً "امکان دارد که خسارات بعدی را نیز موجب شوند. احتمال تکرار حوادث همیشه وجود خواهد داشت. البته چنانچه مساله تراکم خسارتها پیش آید، روش متفاوتی را برای کنترل ریسک می‌توان اتخاذ نمود ولیکن علاج واقعه قبل از وقوع ارزانتر تمام میشود. هزینه خسارت‌های کثیرالوقوع بطور مطلق نافی

## ۲- افزایش هزینه‌های خسارتی

از جمله معایب این روش آن است که می‌تواند موجب افزایش سریع هزینه خود خسارت شود. فرضاً " اگر در رابطه با دله‌دزدی در یک فروشگاه بزرگ اگر فقط به پذیرش این قبیل خسارات به هنگام وقوع آنها اکتفا کنیم، دله‌دزدی رو به افزایش خواهد گذاشت مگر آنکه اقداماتی برای جلوگیری از وقوع آنها نیز صورت بگیرد. در عمل هرگونه برنامه‌ای برای تأمین مالی خسارتها باید با برنامه‌ای بمنظور جلوگیری و کنترل آنها تکمیل شود.

دیگران جبران نشده باشد.

### تأمین پشتوانه مالی برای خسارت

اگر وقوع خسارتها بسیار نامنظم بوده و یا میزان آنها بیش از حدی باشد که در زمان وقوع بتوان آنها را تأدیه نمود، می‌توان یک پشتوانه مالی جبران این قبیل خسارات تدارک دید. منظور از تدارک دیدن چنین پشتوانه‌ای، ارائه وجه نقد برای جبران خسارت است، بدون آنکه این پرداخت لطمه‌ای به سرمایه در گردش و یا درآمدهای جاری مؤسسه وارد آورد.

## ۳- هزینه‌های مالیاتی

پذیرش خسارت توسط مؤسسه، تأثیر مشخصی بر مالیات بردرآمد سازمان بر جای می‌گذارد. صرفنظر از اینکه مؤسسه خسارتها را به هنگام وقوع به حساب هزینه منظور کند یا آنها را از محل وجوه ذخیره جبران نماید، خسارت بیمه نشده شرکت تنها در زمان تحقق از درآمد مشمول مالیات قابل کسر خواهد بود. در صورتیکه حق بیمه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط به عملیات مؤسسه، سالیانه و در زمان پرداخت قابل کسر می‌باشد.

وقوع حوادث اتفاقی و نامنظم باعث می‌شود که دارائیهای سازمان تحت تأثیر خسارت ناشی از حوادث قرار گرفته و آسیب بیند. مزیت این روش در تنظیم آثار خسارات نامنظم بر روی دارائیهای مؤسسه است. در عین حال امکان دارد مدیریت، خسارت منظم را نیز برای تسهیل و کنترل امور حسابداری خود و یا هر دلیل موجه دیگری تأمین مالی کند.

ماده ۱۲۴ از فصل چهارم مجموعه قانون، مالیاتهای مستقیم ایران در خصوص هزینه‌های قابل قبول و استهلاک چنین تصریح نموده است:

برای مثال شرکت حمل و نقلی را در نظر بگیرید. فرض کنید که متوسط میزان خسارت منتظره ناشی از وقوع یک تصادف عمده در ناوگان تجاری شرکت معادل ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال است که هر شش سال یکبار رخ می‌دهد. این خسارت از حساب درآمدهای خالص (قبل از وقوع تصادف) متعلق به دوره زمانی شش ساله که معادل با ۱۲ میلیون ریال است، پرداخت می‌شود.

پ - هزینه‌های عمومی شامل هزینه‌هایی که برای نگهداری و انجام عملیات مؤسسه لازم است، از قبیل وجوه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط، عملیات مؤسسه... هزینه‌های بهداشتی و وجوه پرداختی بابت بیمه‌های بهداشتی و عمر و حوادث ناشی از کارکنان و کارگران.

بدیهی است که خسارت ناشی از تصادف بخشی از هزینه عملیاتی شرکت و ناشی از نوع فعالیت آن است که از محل درآمدها می‌تواند تأمین شود. چنانچه پیش‌بینی یک تصادف در عرض شش سال صحیح باشد، متوسط هزینه سالیانه برای ۵ سالی که در آن تصادفی رخ نمی‌دهد برابر با ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال می‌شود. می‌توان این مبلغ را سالیانه ذخیره نمود و یا آنکه کل مبلغ را بصورت درصدی از درآمد (خالص یا ناخالص) برای این دوره نشان داده و سالیانه از درآمدهای خالص این درصد را کسر نمود.

ت - هزینه‌های متفرقه از قبیل هزینه مربوط به جبران خسارات وارده مربوط به فعالیت مؤسسه مشروط بر اینکه:

اولا - وجود خسارت محقق و قطعی باشد.

ثانیا - موضوع و میزان آن مشخص باشد.

ثالثا - طبق مقررات یا قراردادهای موجود جبران

آن بعهده دیگری نبوده یا در هر صورت از طریق

### مشکلات

در راه تدارک پشتوانه مالی بعنوان یک روش مقابله با خسارتها مشکلات چندی وجود دارد. در بدو امر، مشکل تدارک دیدن ذخائر کافی وجود خواهد داشت. زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که وقوع حوادث تا جمع آوری سالیانه مبالغ مورد نیاز به تاخیر افتد. فرضاً "در مثال فوق الذکر فرض وقوع یک خسارت در هر شش سال یک مفهوم آماری بوده و میانگینی است که فقط در طویل‌المدت صادق خواهد بود. در کوتاه مدت چه بسا تصادف همان سال اول و یا هر یک از سالهای دیگر رخ بدهد. مشکل دیگر، امکان وقوع حوادث بیش از تعداد پیش‌بینی شده است. همانطوریکه قبلاً ذکر شد، حوادث دارای حافظه نیستند. بی‌توجهی مدیریت به عللی که حادثه اول را موجب شده است باعث کم‌حافظه‌تر شدن حوادث خواهد شد. در هر حال مشکل عبارت است از امکان کافی نبودن مبالغ ذخیره شده برای جبران خسارت وارده مطابق با آنچه که برنامه‌ریزی شده است.

مانع دیگر در راه تامین مالی پشتوانه خسارت در مفهوم هزینه فرصتهای از دست رفته نهفته است. بعبارت دیگر مبالغی که تحت عنوان چنین پشتوانه‌ای ذخیره شده و در حسابهای موءسسسه بلوکه می‌شود، می‌تواند در جریان فعالیتهای روزمره تحصیل سود کند. هضم موضوع را که گذاشتن پولی که می‌تواند منافی را عاید گرداند از نقطه‌نظر روانی برای مدیریت چندان راحت نیست.

فدا کردن منافی که از سرمایه‌گذاری ایمن مبالغ می‌توانست بدست آید، هزینه اصلی نگهداری وجوه احتیاطی است. باوجود این در اختیار داشتن مقداری وجه نقد یا دارائی با نقدینگی زیاد که مازاد بر نیازهای فوری باشد می‌تواند مفید و حتی برای طول عمر موءسسسه حیاتی باشد. در اختیار

داشتن دارائی جاری اضافی ممکن است منفعت جاری چندانی در طی سالهای "نرمال و عادی" برای موءسسسه دربر نداشته باشد. ولیکن تصور در نگهداری مبالغ کمکی در صورت تحقق سالهای بحرانی گرانی و بلکه به قیمت هستی یک موءسسسه تمام می‌شود.

از دیگر موانع مهم در راه تامین پشتوانه مالی برای خسارت، قوانین مربوط به مالیات بر درآمد است. مبالغی که جهت کمک به این وجه احتیاطی از گردش وجوه نقد جاری خارج می‌شود، مشمول معافیت مالیاتی نمی‌گردند. در پذیرش خسارت که بدون تدارک پشتوانه مالی صورت می‌پذیرد، پرداختهای نقدی تنها در صورت وقوع خسارت انجام می‌گیرد و در آن حالت تا حدودی مشمول معافیت می‌شود. درحالیکه در این روش که نقش سپربلا را بازی می‌کند چنین نیست.

### مزایا

گذشته از مشکلاتی که مورد اشاره قرار گرفت، بنظر می‌رسد احتمال دست‌نخورده ماندن وجوه فوق‌العاده‌ای که بصورت مجزا و یا منظور اعلام شده نگهداری می‌شوند بیشتر باشد تا یک وجه احتیاطی که برای اهداف نامشخص تدارک دیده می‌شود.

در مرحله اول ایجاد چنین پشتوانه‌ای مستلزم توجه خاص و تصمیم‌گیری در بالاترین سطوح مدیریت سازمان است. بنابراین وجود این پشتوانه مالی آئینه‌ای است که توجه به مشکل ریسکهای موءسسسه و تصمیمات متخذه را در رابطه با آنها منعکس می‌کند.

در عین حال استفاده از این روش مستلزم بررسی ریسکها و برآورد پتانسیل آنها است که می‌تواند موجبات یک برنامه‌ریزی جدی در این زمینه را فراهم آورد.